



«اخروی بودن»؛ بزرگترین وجه تمایز دیدگاه خواجه نصیر و ارسطو درباره «سعادت»

یکی از عمده‌ترین نکات افتراق بین ارسطو و خواجه نصیر درباره سعادت آن است که ارسطو به امکان نیل انسان به سعادت تام در این جهان قائل است، اما خواجه بر آن است که سعادت مطلق تنها در آخرت محقق می‌شود و انسان در دنیا به سعادت و خیر مطلق نخواهد رسید.

یکی از عمده‌ترین نکات افتراق بین ارسطو و خواجه نصیر درباره سعادت آن است که ارسطو به امکان نیل انسان به سعادت تام در این جهان قائل است، اما خواجه بر آن است که سعادت مطلق تنها در آخرت محقق می‌شود و انسان در دنیا به سعادت و خیر مطلق نخواهد رسید.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، شهین اعوانی، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به بررسی سعادت از دیدگاه خواجه نصیر طوسی در دومین و آخرین روز از همایش بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی که به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و با همکاری انجمن حکمت و فلسفه ایران عصر روز گذشته 7 اسفندماه با حضور جمعی از اساتید در محل این مؤسسه برگزار شد، به بررسی تطبیقی سعادت از منظر خواجه نصیرالدین طوسی پرداخت.

وی در آغاز سخن خود پس از بررسی اجمالی معنا و مفهوم سعادت از منظر ارسطو خواجه نصیر اظهار کرد: چون غایت اخلاق کسب سعادت است، نخست باید اخلاق را از منظر این دو مورد بررسی قرار دهیم. خواجه نصیر در اخلاق ناصری تابع ارسطو است و مطالب بسیاری را به صورت نقل قول یا مضموناً از ارسطو نقل کرده است.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در بیان یکی از نقاط افتراق بین ارسطو و خواجه نصیر اظهار کرد: چیزی که خواجه به صراحت گفته و در اظهار آن با ارسطو متفاوت شده، در سیاست مدن است. خواجه این اصطلاح را به معنای کشورداری و مردم‌داری به کار برده، در حالی که در تعبیر ارسطو تعبیر مردم‌داری به چشم نمی‌خورد.

اعوانی پس از تعریف حکمت (به عنوان اصل سعادت‌آور) از منظر ارسطو و خواجه نصیر و تقسیمات آن به دو بعد نظری و عملی، در بخشی از سخنان خود عنوان کرد: ابن‌سینا بر ارسطو خرده گرفته که اخلاق نیکوماخوس او به کار احداث (جوانان) نمی‌آید. خواجه در اخلاق ناصری در صدد است به ایراد شیخ‌الرئیس درباره این موضوع پاسخ دهد.

وی در تکمیل این مطلب گفت: خواجه در آنجا مدعی می‌شود که من اخلاقی می‌نویسم که جوانان نیز از آن منتفع گردند. وی می‌گوید که من بحث سعادت و خیر را در این کتاب (اخلاق ناصری) از آن جهت نیاورده‌ام که احداث (جوانان) بدان رسند؛ بلکه از جهت آن آورده‌ام که صحبت خیر و سعادت به گوششان بخورد تا بدانند که انسان می‌تواند به چنین مرتبه‌ای دست یابد و شوقی در آنان برای رسیدن به فضایل ایجاد شود.

این محقق و پژوهشگر در بیان یکی از عمده‌ترین نکات افتراق بین ارسطو و خواجه نصیر درباره سعادت تصریح کرد: ارسطو معتقد است که عقل سلیم نمی‌پذیرد که انسان رعایت اعتدال را بکند، دنبال فضائل برود، کمال طلب و سعادت طلب باشد و در تمام افعال خود اخلاق انسانی را رعایت کند و در این دنیا به سعادت مطلق نرسد؛ اینجاست که بزرگترین نکته اختلاف بین ارسطو و خواجه رخ می‌نماید.

وی افزود: خواجه مسلمان است و سعادت را آخرت می‌بیند و بر آن است که همه این مقدمات و اخلاق و کسب فضائل را برای سعادت اخروی است و انسان در دنیا به سعادت و خیر مطلق نخواهد رسید. ارسطو معتقد است که همین سعادت دنیوی مدارج و مراتبی دارد و به قدر سعی انسان حاصل می‌شود تا به اقصی مرتبه خود دست یابد و البته انسان می‌تواند در همین دنیا نیز سعید تام شود.

اعوانی ادامه داد: به عقیده خواجه فضیلت روحانی نصیب کسانی می‌شود که از جسم - که در آن مشارکت با بهائم دارند - بگذرند و تنها چیزی که انسان‌ها را از جانداران دیگر تفکیک می‌کند، همین فضایل اخلاقی است که پس از تلاشی شدن جسم نیز همچنان به کمال خود باقی است و انسان با همین جسم دنیوی، اگر سعادت را به دست بیاورد، کمال بیشتری دارد.

وی تصریح کرد: همچنین یکی دیگر از اختلافات بین خواجه و ارسطو آن است که ارسطو سعادت را در باب سیاست بحث کرده و خواجه آن را در بخش حکمت عملی گنجانده است. همچنین درباره #171& آموختنی بودن «سعادت بین ایشان اختلاف است؛ خواجه معتقد است که اخلاق جمهور را در جامعه می‌توان تربیت کرد، اما ارسطو آن را اکتسابی می‌داند و در همین دنیا باید آن را

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در بخشی از سخنان خود، «عدالت» را به عنوان منشأ فضایل و سعادت بشری، نقطه مشترک اندیشه اخلاقی ارسطو و خواجه نصیر برشمرد که هم در اخلاق ناصری و هم در اخلاق نیکوماخوس بدان تأکید شده است. عدالت در رویکرد آنان منشأ همه فضیلت – و نه جزیی از آن – است و تا عدالت نباشد، سعادت میسر نخواهد شد.